

# همزه در مرز ترکیب و بحث التقای مصوت‌ها در کلمات فارسی

اصغر شهبازی<sup>۱</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بحرالعلوم، شهرکرد

## چکیده

برخی از زبان‌شناسان همزه را در کلمات اصالتاً فارسی و در مرز ترکیب به این دلیل که یا حذف می‌شود و یا به واج دیگری تبدیل می‌شود، بی‌آنکه تمایز معنایی ایجاد کند، واج نمی‌دانند و از همین روی، بحث ابتدای به مصوت و به تبع آن موضوع التقای مصوت‌ها و میانجی را مطرح می‌کنند. این در حالی است که به نظر برخی دیگر از زبان‌شناسان، همزه در تمام جایگاه‌ها ارزش واجی دارد؛ چون اولاً مطابق با الگوهای هجایی زبان فارسی، هیچ هجایی با مصوت آغاز نمی‌شود؛ ثانیاً همزه در بسیاری از واژه‌های اصالتاً فارسی (آب و تاب / بی‌آب و بی‌تاب) ممیز معناست. با توجه به این اختلاف‌نظرها، در این مقاله پس از تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مختلف، اولاً بیان شده است که طرح موضوع ابتدا به مصوت در زبان فارسی، آن هم صرفاً به خاطر وجود آوای همزه، محملی ندارد و از همین روی، تقریباً بحث التقای مصوت‌ها منتفی است؛ ثانیاً درباره‌ی همزه در مرز ترکیب، آنجا که همزه حذف می‌شود (شاداب / پرآب) یا به واج دیگری تبدیل می‌شود (بیندیش) بی‌آنکه تمایز معنایی ایجاد کند، موضوع با واج‌شناسی فرازنجیری و بحث کشش جبرانی یا عدم کشش قابل توجیه است.

کلیدواژه‌ها: همزه، التقای مصوت‌ها، حذف، تبدیل.

## ۱. مقدمه

سال‌هاست که در کتاب‌های آواشناسی، واج‌شناسی و دستور زبان فارسی، الگوهای هجایی زبان فارسی را در به صورت ص/م/(ص)(ص) یا CV(C)(C) خلاصه و تعریف کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که:

<sup>۱</sup> E-mail: [asgharshahbazi88@gmail.com](mailto:asgharshahbazi88@gmail.com)

الف) در زبان فارسی هیچ هجایی و در نتیجه هیچ واژه‌ای با مصوت شروع نمی‌شود؛

ب) مصوت همیشه واج دوم هجاست؛

ج) پس از مصوت گاهی هیچ واجی نمی‌آید و گاهی یک یا دو واج پس از آن می‌آید.

گفته‌اند و دانشجویان هم پذیرفته‌اند و تکرار کرده‌اند، اما وقتی به مثال‌هایی از نوع «ب + اندیش / دانا + ان / دانشجو + ای / خانه + ای و ...» رسیده‌اند، گفته‌اند که در مرز ترکیب چون دو مصوت به هم می‌رسند و تضادی با قوانین هجایی به وجود می‌آید، یک واج به عنوان میانجی حایل می‌شود تا قوانین هجایی رعایت شود و شاید هیچگاه نگفته‌اند که در مرز ترکیب، جزء یا تکواژ دوم مطابق با کدام الگوی هجایی، با مصوت شروع می‌شود؟ مگر نه این است که تکواژ یا جزء دوم تمام آن کلمات در حالت غیرترکیبی (اندیش، ای، ان، ای) با صامت همزه آغاز می‌شود و در یک فرایند واجی، همزه به یاء یا گاف تبدیل می‌شود و اصلاً افزایشی (میانجی) در کار نیست. متأسفانه این موضوع با تمام تلاش‌ها و پژوهش‌هایی که درباره آن تا کنون صورت گرفته، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

اغلب زبان‌شناسان به این دلیل که واج همزه در مرز ترکیب به واج دیگری تبدیل می‌شود (ب + اندیش: بیندیش)، یا حذف می‌شود (شاد + آب: شاداب) بی‌آنکه تمایز معنایی ایجاد کند، برای همزه در این جایگاه، ارزش واجی قائل نشده‌اند و موضوع ابتدا به مصوت و بحث التقای مصوت‌ها و میانجی را در زبان فارسی مطرح کرده‌اند. در مقابل، گروهی با توجه به قواعد هجایی زبان فارسی برای همزه در تمام جایگاه‌ها ارزش واجی قائل شده و کوشیده‌اند برای تبدیل و حذف همزه در مرز ترکیب دلایلی توجیهی ارائه کنند؛ دلایلی که نشان می‌دهد در این باره باید پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد. برای روشن‌تر شدن بحث، توصیف همزه و مروری بر آرا و دیدگاه‌های پژوهشگران زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی ضروری است.

## ۲. همزه در آواشناسی و واج‌شناسی

واحد آوایی همزه یکی از گوشه‌های مبهم نظام واجی زبان فارسی است. زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی درباره طبیعت آوایی و پایگاه ساختی همزه اتفاق نظر ندارند. درباره طبیعت آوایی همزه، برخی آن را یک اصطلاح پوششی برای رویدادهای آوایی گوناگون از جمله کشش واکه‌ای، نوعی لرزش در چاکنای و بندش یا انسداد چاکنایی می‌دانند (حق‌شناس، ۱۳۷۰: ۲۵۸).

از نظر واج‌شناسی نیز دربارهٔ همزه، در کلمات اصالتاً غیرعربی (فارسی)، سؤالاتی وجود دارد که پاسخ برخی از آن‌ها، هنوز به‌خوبی داده نشده است که از آن جمله‌اند:

الف) اگر همزه یک واج است چرا در مرز ترکیب گاهی حذف می‌شود (شاداب، هماهنگ) بدون آنکه تمایز معنایی ایجاد کند؟

ب) اگر همزه یک واج است چرا در مرز ترکیب، به واج دیگری تبدیل می‌شود (بیندیش، بداندیش) بدون آنکه تمیز معنایی ایجاد کند؟

در پاسخ به این سؤالات پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته است. حق‌شناس (۱۳۷۰) کوشیده است تا با تکیه بر واج‌شناسی چندنظامی فرث<sup>۱</sup>، همزه را در مرز ترکیب در کلمات اصالتاً فارسی نه یک واج، بلکه یک عنصر هموندی معرفی کند؛ یعنی عنصری ساختاری با نقش تباینی نه تقابلی. ایشان در این باره معتقد است که میان واژگان دخیل با واژگان اصیل تفاوت وجود دارد. در واژگان دخیلی که در آن‌ها همزه وجود دارد، پس از سال‌ها استعمال، هنوز ویژگی‌های غیرفارسی حفظ شده و از همین روی همزه در آن کلمات در تمام جایگاه‌ها ارزش واجی دارد؛ اما همزه در واژگان اصیل فارسی در امتداد زنجیرهٔ گفتار، دارای نقش ساختی است و به این اعتبار یک واحد هموندی است. (حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۲۷۶؛ همو، ۱۳۷۰: ۲۵۷-۲۸۴). ایشان در نهایت زبان فارسی را دارای دو دستگاه متفاوت هجایی دانسته‌اند:

الف) دستگاه هجایی واژگان دخیل با سه امکان:  $CV(C)(C)$

ب) دستگاه هجایی واژگان فارسی با شش امکان:  $CV(C)(C)$  و  $cV(C)(C)$ ؛ علامت (C) نشانهٔ همزه به عنوان واحد هموندی در مرز ترکیب است.

صادقی نیز در بررسی‌های خود، میانجی را عنصری هموندی یا ساختی به شمار آورده و گفته است که این عنصر فاقد ویژگی تقابل است و وابسته به محور همنشینی است (صادقی، ۱۳۶۵: صفحات مختلف).

نجفی نیز با توجه به تلفظ جبری همزه و حذف آن در مرز ترکیب، برای همزه در این جایگاه، ارزش واجی قائل نیست و آن را یک «مرزما» می‌داند و در نتیجه بحث التقای مصوت‌ها و صامت‌های میانجی را مطرح می‌کند (نجفی، ۱۳۷۳: ۷۰-۷۴ و ۸۰-۸۳).

<sup>۱</sup> Firth

مشکوة‌الدینی نیز می‌نویسد: «در زبان فارسی، در سطح صداها (تلفظ)، در آغاز گفتار (به دنبال مکث) هیچ واژه‌ای با مصوت آغاز نمی‌شود، بلکه در چنین مواردی پیش از مصوت همواره یک صامت انسدادی-چاکنایی (همزه) ظاهر می‌گردد. اما در میان زنجیرهٔ گفتار به هنگام همنشینی واژه‌ها و تکواژها گاهی تکواژی به مصوت پایان می‌یابد و تکواژ بعدی نیز با مصوت آغاز می‌گردد؛ در این گونه موارد، میان دو مصوت، صامت میانجی ظاهر می‌گردد.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۲: ۱۱۳). ایشان در جایی دیگر، ظاهر شدن همزه پیش از واکه را تنها نشان‌دهندهٔ عادت و الزام تلفظی می‌داند و برای آن ارزش واجی قائل نیست و در نتیجه، قائل به وجود هجاهایی می‌شود که با واکه آغاز می‌شوند (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۳: ۱۳۲-۱۳۴).

کرد زعفرانلو کامبوزیا نیز از همزه تحت عنوان انسداد چاکنایی نام می‌برد و معتقد است در کلمات موجود در زبان فارسی، دو نوع انسداد چاکنایی دیده می‌شود: یکی انسداد چاکنایی زیرساختی که دارای یک جایگاه زمانمند در لایهٔ مبناست و حذف آن منجر به کشش جبرانی می‌شود، چنانکه در کلمات عرف، ادب، آلو، معروف، تأدیب و هم‌عهد دیده می‌شود؛ و دیگری انسداد چاکنایی حاصل از فرایند درج که فقط در آغاز هجا دیده می‌شود و در پایانه به‌کار نمی‌رود و توزیع ناقص دارد و در صورت حذف، منجر به کشش جبرانی نمی‌شود (اما موجب کاهش وزن هجای اول به لحاظ کمی می‌شود)، چنانکه در کلمات دردانگیز، سودآور، سیراب و سیلاب دیده می‌شود. به عبارت دیگر، ایشان برای همزه در کلماتی مانند عرف، ادب، آب، تأدیب، معروف و پرآب جایگاه مبنایی و زیرساختی قائل شده‌اند و برای همزه در کلماتی مثل سیراب، سودآور و دردانگیز جایگاه مبنایی و زیرساختی قائل نشده‌اند و حتی بیان داشته‌اند که اگر انسداد چاکنایی در کلماتی مثل سیراب و سودآور درج شود، کلمهٔ مرکب تشکیل نمی‌شود (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۱: ۲۸۸-۳۰۱). متأسفانه ایشان به کلماتی مثل بی‌آب، نکته‌ای و ... اشاره نکرده‌اند و وضعیت همزه را در این کلمات توضیح نداده‌اند.

ابومحبوب (۱۳۸۳: ۶۳-۶۴) و افراسی (۱۳۸۷: ۵۹-۶۰ و ۷۹-۸۰) و عمرانی (۱۳۷۸: ۱۴-۲۵) نیز بر همین راه رفته‌اند و بیان کرده‌اند که همزه در مرز ترکیب، به ویژه آن جایی که حذف می‌شود یا به واج دیگری تبدیل می‌شود و تمایز معنایی ایجاد نمی‌کند، واج نیست و یک عنصر هموندی است. به عنوان نمونه، عمرانی می‌نویسد: «میانجی یک آوای ساده است که نوعی ضرورت زبانی بر

پایه قانون تسهیل تلفظ، حضور آن را در زنجیره سخن توجیه می‌کند و قاعدتاً به دلایلی از جمله اجباری بودن حضور آن در سخن و حذف آن بدون تمایز معنا، از نوع واج نیست.» (عمرانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

سپنتا با رد وجود همزه آغازی در زبان فارسی می‌نویسد: «آنچه دستورنویسان به عنوان همزه ذکر کرده‌اند و ادعا نموده‌اند که در اول کلمات فارسی می‌آید و شواهدی چند از آن ارائه کرده‌اند، در حقیقت همزه نیست، بلکه مصوت‌های آغازی زبان فارسی می‌باشد: ابر: abr / ایرج: iraj / استاد: ostād» (سپنتا، ۱۳۵۲: ۶۱). ایشان معتقدند: «مصوت‌های آغازی زبان فارسی با یک نوع بست چاکنایی شروع می‌شود و از این نظر مشابهتی با مصوت‌های آغازی زبان آلمانی دارد و در حقیقت این بست، جزو خاصیت مصوت‌های آغازی زبان فارسی بوده و به هیچ وجه صامت محسوب نمی‌شود. هر گاه نام همزه را به صامت‌هایی نظیر آخرین صامت کلمه «سوء» اطلاق کنیم، دیگر جایز نیست مصوت‌های آغازی را نیز از همین مقوله تصور کرده و اطلاق کردن نام همزه به آن قبیل مصوت‌ها خطاست. مصوت‌های آغازی زبان فارسی خود یک واج مستقل محسوب می‌شوند.» (همان: ۶۴).

در مقابل، ثمره معتقد است که همزه در آغاز واژه، همچون دیگر واج‌ها، نقش واجی دارد؛ زیرا قابل جانشین شدن با هر واج دیگری است [ابر، صبر / بی‌آب، بی‌خواب / بی‌اصل، بی‌نسل / بی‌عار، بیزار] و حذف آن، واژه را به یک رشته آوایی بدون معنی تبدیل می‌کند و این بدان معنی است که وجود و عدم وجود آن یکسان نیست و در نتیجه نباید آن را نادیده گرفت؛ وانگهی نادیده گرفتن همزه آغازی به عنوان یک واج، نه تنها چیزی از مجموعه واجگان زبان نمی‌کاهد، بلکه تعداد انواع هجاها را به دو برابر افزایش می‌دهد و این نه تنها بر خلاف اصل اقتصاد در زبان است، بلکه مشکلات جدی‌ای نیز در زمینه تعیین مرز هجاها و مآلاً در تحلیل ساختمان هجایی واژه پدید می‌آورد (ثمره، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۱۰). البته ثمره درباره همزه آغازی در مرز ترکیب سخن نگفته است، اما دین محمدی در نقد مقاله حق شناس و دیدگاه‌های دیگران می‌نویسد: همزه در تمامی جایگاه‌ها ارزش واجی دارد و حتی در مرز ترکیب نیز ممیز معناست: بی‌آب، بی‌خواب / بی‌اصل، بی‌نسل / بی‌عار، بیزار؛ اما اینکه چرا همزه در ترکیباتی مثل «شاداب» و «پرآب» حذف می‌شود و سبب کشش واکه‌ای نمی‌گردد، اتفاقاً این همان چیزی است که ما توقع داریم؛ زیرا همخوان‌های آغازی واقع در آغاز هجا، غیرکششی

هستند و به همین دلیل حذف همزه در این جایگاه باعث گسترش و کشش جبرانی نمی‌شود و این وقتی اتفاق می‌افتد که ماقبل همزه، همخوان باشد (دین‌محمدی، ۱۳۷۵: ۱۲۷-۱۴۰).

مروری بر آرا و دیدگاه‌های زبان‌شناسان برجسته ایرانی نشان می‌دهد که اغلب ایشان برای همزه در واژگان اصالتاً فارسی، در مرز ترکیب، ارزش واجی قائل نیستند و از همین روی بحث التقای مصوت‌ها را مطرح کرده‌اند و این در حالی است که همزه در برخی از ترکیبات ممیز معناست: بی‌آب، بی‌خواب / بی‌اصل، بی‌نسل / بی‌عار، بیزار؛ در مقابل، برخی از زبان‌شناسان برای همزه در همه جایگاه‌ها ارزش واجی قائل‌اند و کوشیده‌اند برای حذف و تبدیل همزه در مرز ترکیب (در کلمات اصالتاً فارسی) دلایلی ارائه کنند.

### ۳. جمع‌بندی

با توجه به آنچه که گفته شد، نگارنده معتقد است:

- ۱) همزه در تمام جایگاه‌ها ارزش واجی دارد. دلیل آن هم بحث تمایز معنایی است که ایجاد می‌کند: آب و تاب؛ بی‌آب و بی‌تاب؛ پرآب و پرخواب؛ اگرچه در برخی از کلمات، همنشینی واج‌ها سبب حذف همزه می‌شود: دردآور، تیرانداز، سیلاب و ...
- ۲) در پاسخ به این سؤال که چرا همزه در امثال «خانگی، بندگان، گوینده، بیندیش، می‌گویم و ...» به همخوان دیگری تبدیل می‌شود بی‌آنکه تمایز معنایی ایجاد کند، باید گفت که اولاً این تبدیل در همه ترکیبات اتفاق نمی‌افتد؛ برای مثال، در کلمات «رفته‌ام»، «نامه‌ای»؛ ثانیاً این موضوع از نظر واج‌شناسی تقریباً امری فرازنجیری است و موضوع از آنجا ناشی می‌شود که همزه آغازی از کشش برخوردار نیست و به صورت نوعی لرزش در چاکنای رخ می‌دهد و تلفظ می‌شود و از همین روی حذف می‌شود یا تبدیل می‌شود، بی‌آنکه اثری بر جای بگذارد؛ بر خلاف همزه پایانی که دارای کشش است و حذف آن سبب کشش واکه قبل از آن می‌شود: نفع؛ نف؛ سوء؛ سو و ...
- ۳) در پاسخ به این سؤال که چرا همزه در مثال‌های «شاداب و پرآب» حذف می‌شود، بدون آنکه تمایز معنایی ایجاد کند، دلیل همان است که گفته شد؛ یعنی همزه آغازی از کشش برخوردار نیست و به صورت نوعی لرزش در چاکنای رخ می‌دهد و تلفظ می‌شود؛ از همین

روی حذف یا تبدیل می‌شود، بی‌آنکه اثری بر جای بگذارد.

(۴) درباره‌ی قاعده‌ی حذف همزه در مرز ترکیب در کلمات فارسی، باید گفت که اگر پیش از همزه، صامت باشد، همزه حذف می‌شود؛ زیرا صامت پایانی تکواژ اول در محل آغاز تکواژ دوم قرار می‌گیرد و البته ترکیب در چنین کلماتی همیشه موجب کاهش وزن هجای قبلی به لحاظ کمی می‌شود: هماهنگ، همان، همین، شاداب، سیراب، سیلاب، رنج‌آور، دردآور، سودآور، سرآغاز، تیرانداز، دل‌انگیز و ... (به استثنای پرآب)؛ علت عدم تمایز معنایی، در گزینه «ح» در بالا آمد. اما اگر قبل از همزه، مصوت باشد، همزه حذف نمی‌شود: بی‌آب، رفته‌ام، نامه‌ای.

(۵) درباره‌ی قاعده‌ی تبدیل همزه در مرز ترکیب در کلمات فارسی، هم باید گفت که در برخی از موارد، همزه به واج دیگری تبدیل می‌شود: خانگی، بندگان، گوینده، بیندیش؛ اما اینکه چرا این تبدیل سبب تمایز معنایی نمی‌شود، نگارنده معتقد است این موضوع با نظر فرشیدورد قابل توجیه است که معتقد است در کلماتی مثل «دانایی» و «می‌گویم» که ما آن‌ها را در زیر مجموعه‌ی فرایند واجی افزایش قرار داده‌ایم، در واقع افزایشی در کار نیست و فرایند اصلی تبدیل همزه‌ی آغازی به همزه‌ی ملیئه است که در قدیم برای نشان دادن آن، سر‌یاء را بر کرسی «ی» قرار می‌دادند، مانند دانائی، دانشجوئی، می‌جوئیم (فرشیدورد، ۱۳۵۱: ۱۳۶۰-۱۳۶۶). البته چنانکه گفته شد این تبدیل در همه‌ی موارد روی نمی‌دهد، چنانکه در کلمات «رفته‌ام» و «نامه‌ای» دیده می‌شود.

(۶) اینکه اغلب زبان‌شناسان خواسته‌اند متأثر از پیشینیان، بحث همزه‌ی میانی در کلمات فارسی را انکار کنند قابل دفاع نیست؛ چون در برخی از کلمات فارسی‌الاصل نیز، همزه در میان کلمه آمده است: «زائو» و «بائو» (بازو).

## منابع

آذرتاش، آذرنوش (۱۳۵۳). «همزه و دشواری‌های نوشتن آن»، مجله‌ی مقالات و بررسی‌ها، شماره‌های ۱۷-۱۸، صص ۱۳۲-۱۴۵.

ابومحبوب، احمد (۱۳۸۳). ساخت زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: میترا.

- افراشی، آزیتا (۱۳۸۷). ساخت زبان فارسی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- افراشی، آزیتا (۱۳۷۸). «بررسی التقای مصوت‌ها در زبان فارسی؛ تکواژ میانجی یا واج میانجی؟»، مجله متن‌پژوهی ادبی، شماره‌های ۹-۱۳، صص ۱-۱۴.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۵). آواشناسی زبان فارسی، چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۰). «نقش‌های دوگانه همزه»، مندرج در کتاب مقالات ادبی، زبان‌شناختی، تهران: نیلوفر، صص ۲۵۷-۲۸۴.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۲). «همزه در زبان و خط فارسی»، مندرج در کتاب زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، تهران: آگه، صص ۲۶۷-۲۸۰.
- دین‌محمدی، غلامرضا (۱۳۷۵). «جایگاه همزه در ساخت آوایی زبان فارسی بر اساس واج‌شناسی فرازنجیری»، مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۴۰.
- سپینتا، ساسان (۱۳۵۲). «همزه در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره اول، شماره ۹، صص ۵۸-۷۰.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۵). «التقای مصوت‌ها و مسأله صامت میانجی»، مجله زبان‌شناسی، سال سوم، شماره ۳/۲، صص ۳-۲۲.
- عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۷). «واج میانجی واج است یا تکواژ؟»، آموزش زبان و ادب فارسی، دوره بیست و دوم، شماره ۸۷، صص ۲۱-۴۱.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۱). «بحثی درباره رسم‌الخط فارسی»، مجله وحید، شماره ۱۱۱، صص ۱۳۶۰-۱۳۶۶.
- فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۳۲). «چگونگی نوشتن همزه»، ماهنامه آموزش و پرورش، دوره بیست و ششم.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۱). «همزه در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۴، صص ۲۸۳-۳۰۲.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۶۲). «ساخت آوایی زبان فارسی (بخش چهارم)»، مجله جستارهای ادبی، شماره ۶۱، صص ۱۰۵-۱۳۴.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۶۳). ساخت آوایی زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



مهیار، عباس (۱۳۶۵). «جای پای همزه در رسم الخط فارسی»، آموزش زبان و ادب فارسی، شماره‌های ۴-۵، صص ۴۹-۵۱.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۳). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.